

نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هفدهم، شماره ۴۵، تابستان ۹۶

توسعه محله محور بخش مرکزی شهر بروجرد

دریافت مقاله: ۹۳/۶/۱۴ پذیرش نهایی: ۹۶/۳/۱۰

صفحات: ۱۶۵-۱۸۳

احمد زنگانه: استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

zanganeh45@yahoo.com

طاہر پریزادی: استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران^۱

Email: Tparizadi@Yahoo.com

معصوم ساکی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Email: masoomesaki@yahoo.com

چکیده

محللات شهری یکی از عناصر مهم و موثر تشکیل دهنده حیات اجتماعی شهری هستند. درگذشته، نقش و کارکرد محللات، موجب می شد که افراد ساکن، پیوندهای اجتماعی بیشتری نسبت به امروز داشته باشند. در توسعه محله محور با بهره گیری از دیدگاه پایین به بالا، بر توانمندسازی، مشارکت جمعی و افزایش سرمایه اجتماعی محللات تأکید شده است. تحقیق حاضر بر آن است تا ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی توسعه محله محور بخش مرکزی شهر بروجرد را مورد بررسی قرار دهد، روش تحقیق به لحاظ هدف شناختی و ماهیت آن علی-همبستگی است. محدوده مورد مطالعه، محللات بخش مرکزی شهر بروجرد است که حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم کوکران، تعداد ۳۸۱ نفر از ساکنین با سطح اطمینان ۹۵ درصد و بصورت روش نمونه گیری خوشه ای سپس تصادفی ساده انتخاب شده اند. برای تجزیه و تحلیل داده ها میدانی از نرم افزار GIS، SPSS در قالب آزمون همبستگی، Excel برای تهیه جدول، نمودار، و برای دستیابی مدل معادلات ساختاری از نرم افزارهای *liserel*، *PLS*، استفاده شده است. یافته های مدل معادلات ساختاری *liserel* و *PLS* تأیید می کند، که از میان عوامل موثر بر توسعه کالبدی محله، عامل اجتماعی - فرهنگی (۰,۳۰) تأثیرگذارترین و مشارکت اقتصادی کم تأثیرترین (۰,۰۱) بوده است. از دیگر نتایج تحقیق حاضر؛ با در نظر گرفتن کل شاخصها، ضمن وجود تفاوت معنادار بین شاخص ها، توسعه محله مبنای بخش مرکزی شهر بروجرد در مجموع در حد نسبتاً مناسبی قرار دارند.

کلید واژگان: توسعه، مشارکت، محله، بخش مرکزی، شهر بروجرد

^۱ نویسنده مسئول: دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران.

مقدمه

از مهمترین رویکردهای توسعه شهری در مواجهه با رشد مشکل آفرین شهرها، توجه به خردترین واحد یعنی محله در چارچوب برنامه ریزی محله ای است. تحولات اقتصادی - اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی که باعث دگرگونی الگوهای سکونتگاهی و شیوع زیست شد و به تبع آن، رشد جمعیت و فضاهای شهری گسترش یافت و از نسبت جمعیت و تعداد سایر سکونتگاه ها به نفع شهرها کاسته شد. اما در چند دهه اخیر این روند شدت یافته به گونه ای که تعداد شهرهایی با بیش از یک میلیون جمعیت به بیش از ۴۰۰ شهر رسیده است. رشد سریع شهرها در دهه های اخیر در تمامی کشورهای جهان، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه را با مشکلات جدی مواجه ساخته است. مسائل این پدیده نه تنها سیاست های شهرسازی را به طور وسیعی تحت الشعاع قرار داده، بلکه تبعات حاصل از آن در تشدید مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی و محیط زیستی جوامع نقش اساسی داشته است (عزیزی، ۱۳۸۸، ۱۳). محله به عنوان یکی از اندام های سیستم شهر، بنیان بسیاری از سیاست ها و روش های شهری در توسعه چشم انداز پایداری شهری جهان قرار گرفته است. موضوع توسعه از نوع اجتماعی و یا محله ای ضرورت های مختلفی را در کشور ما و در سطح کلان شهرهای آن مد نظر دارد. توسعه اجتماعی محلات با تکیه بر افزایش کیفیت و ایجاد بستری برای شکل گیری فضاهای جمعی جهت ثبت خاطره ها امری حیاتی در توسعه پایدار است (موسوی، ۱۳۹۱؛ ۳۳). اگر شهر را همچون یک موجود زنده در نظر بگیریم که همواره در حال تغییر و تحول و رشد نمو می باشد. اجزای این موجود نیز بالطبع پویا بوده و همین فرایند را طی می کنند. عناصر شهری در طول زمان تغییر تحول یافته و در یک فرایند پویا ایجاد توسعه و فرسوده می گردند. محلات به عنوان یکی از اجزای اصلی این موجود زنده بیش از دیگر اجزاء همواره در خطر ناکارآمدی و سایر نابسامانی ها می باشند، هر چند به نظر می رسد تحولات موجود در آنها پیامد رشد و نمو کل سیستم شهری است لیکن به شرایط خاص محله و فقدان ظرفیت های توسعه ای لازم در آن نیز مرتبط می گردند. لذا محلات شهری می بایست همواره در شرایطی قرارگیرند که علی رغم اینکه در ارتباط با جریان توسعه شهری قرار می گیرند از نظر متغیر های درونی نیز واجد ارزشهای توسعه ای خاص خود باشند این امور می تواند نسبت به پارامترهایی همچون زمان و مکان ... منعطف باشد. در این میان توجه به توسعه محله و مشارکت عمومی بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی شهری متوجه شده است، چنان که پژوهش ها و مطالعات نشان می دهند که سیاست گذاری ها و برنامه ریزیها مدیریت شهری را از خرد ترین واحد یعنی محله در شهر هدف قرار داده است.

نظریه محله محوری، محله ها و سلولهای شهری را واحد برنامه ریزی خود قرار داده و عمدتاً به ابعاد مشارکتی، پتانسیلها، ظرفیتهای و سرمایه های اجتماعی موجود در محله ها تاکید می کند. از جمله عواملی که امروزه موجب دگرگونی در بافت و ساختار زندگی شهری شده و سبب زوال و فرهنگ محله ها شده موج مهاجرت های روستا شهر است. که بیشتر این مهاجرت ها اغلب در بخش مرکزی شهر ها دیده می شود که فاقد استانداردهای رایج شهری در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و در مرحله تحول طبیعی به وسیله مهاجرین با سطوح پایین اجتماعی اشغال می شود.

بخش مرکزی شهر بروجرد: محدوده بافت ۲۷۱/۸ هکتار است که در مرکز جغرافیای شهر بروجرد واقع و با توجه به وسعت محدوده قانونی شهر بروجرد (۲۷۸۳ هکتار) ۱۰ درصد از شهر را به خود اختصاص داده است. ساختار فضایی شهر بروجرد در مسیر تکوینی - تحولی خویش (بروجرد در آغاز شهر نشینی) بر پایه نظام محله ای (که شامل چهار محله دودانگه، صوفیان، یخچال و قدقون رازان) استوار بوده و با توسعه و گسترش شهر چه درونی چه بیرونی فارغ از آن نظام شکل گرفته و مشکلاتی را در حوزه های زیر ساختی، خدماتی، اجتماعی و کالبدی به وجود آورده است. در وضعیت فعلی، اکثریت ابنیه باقی مانده قدیمی در محدوده بافت تاریخی، متعلق به دوره قاجار است. بافت قدیمی شهر بروجرد تا قرن ۱۴ هجری همراه با تحولات اقتصادی - اجتماعی از تحرک و رشد کما بیش موزون و متعادل برخوردار بوده است، از آغاز این قرن ساختار منسجم عملکردی - فعالیتی شهر تحت تأثیر شرایط جدید زندگی و نیز روشهای تازه ای که شهر سازی کشور را دگرگون ساخت از هم پاشیده است.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی نظریه ها و دیدگاه های ناظر بر توسعه محله محوری در مقیاس محله و همچنین بررسی تجربه های داخلی و خارجی، و نیز با شناخت صحیح از بخش مرکزی شهر بروجرد با توجه به مشارکت مردمی ارائه راهکارهای بر تحقق توسعه محله محور در شهر بروجرد بپردازد، و میزان مشارکت مردمی تا چه اندازه در توسعه محلات موثر بوده است. بر این اساس سوال اصلی این تحقیق عبارت است از: عوامل و شاخص های تأثیرگذار بر توسعه محله محور، در بخش مرکزی شهر بروجرد بر پایه کدام یک از عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی استوار است؟

این تحقیق در پی آن است تا ضمن بازخوانی مفاهیم محله و توسعه محله محور در بخش مرکزی شهر بروجرد به شناسایی شاخصهای همبستگی محله در راستای توسعه محله بپردازد.

سوالات تحقیق

از مهم ترین تاکیده‌های توسعه محله محور حضور مردم و مشارکت آنها در طرح هاست که در مقیاس محله تهیه می شود. براین اساس در توسعه محله محور، سوالات اصلی این تحقیق عبارتند از:

- ۱- عوامل موثر بر توسعه کالبدی محلات در بخش مرکزی شهر بروجرد به ترتیب اولویت کدامند؟
- ۲- آیا بین عامل اجتماعی - فرهنگی محلات بخش مرکزی و کیفیت ابنیه بافت رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا بین عامل اقتصادی ساکنین محلات بخش مرکزی و میزان مشارکت آنها در توسعه و مدیریت محله رابطه وجود دارد؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع شناختی و ماهیت روش: از نوع تحقیقات همبستگی است. برای دستیابی به اهداف و پاسخ به پرسش های تحقیق، پژوهش در دو بخش مطالعات اسنادی کتابخانه ای (کتب، رساله ها، گزارشها و نقشه ها) و پیمایشی (پرسشنامه) می باشد. محدوده مورد مطالعه تحقیق، محلات بخش مرکزی شهر بروجرد است که جامعه نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم کوکران، تعداد ۳۸۱ نفر از ساکنین (با توجه به جامعه ۳۶۷۲۶ نفر) با سطح اطمینان ۹۵ درصد و بصورت خوشه ای و تصادفی ساده انتخاب شده است. براین اساس شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات شامل کتابخانه ای، پرسشگری بوده و تجزیه تحلیل داده های از طریق نرم افزار کامپیوتری (Spss) (Excel) (lieserl) (PLS) (Gis) صورت خواهد گرفت.

محیط شناسی پژوهش

بنابر اسناد تاریخی متعدد، مبنای شکل گیری شهر بروجرد قلعه ای بوده است که همانند چندین قلعه مشابه در دشت سیلاخور بنا شده است. بروجرد به عنوان یکی از این قلعه ها همزمان با گسترش امنیت در سده سوم هجری به تدریج از مرز قلاع فراتر رفته و در نواحی اطراف قلعه گسترش یافته و از زمان احداث مسجد جامع و از این زمان به بعد در منابع متعددی از بروجرد به عنوان شهر نام برده شده است. عناصر بر جای مانده و تحولات عمده کالبدی در بافت تاریخی شهر بروجرد، ساختار بافت تاریخی در دو مقطع قبل از دوران قاجار

قابل باز سازی است. ساختار کالبدی شهر بروجرد در دوران قبل از قاجار، شعاعی بوده و برمبنای مرکزیت بازار بوده است که عناصر اصلی آن شامل چهار محله صوفیان، دودانگه، رازان قدقون و یخچال، بازار و مسجد جامع، گذرهای اصلی منتهی به راه های کاروان رو و قلعه قدیمی شهر بوده است. بخش مرکزی شهر بروجرد: محدوده ای با وسعت $271/8$ هکتار است که در مرکز جغرافیای شهر بروجرد واقع و با توجه به وسعت محدوده قانونی شهر بروجرد (2783 هکتار) 10 درصد از شهر را به خود اختصاص داده است. شکل (۱). و در سال 1385 دارای جمعیت برابر با 36726 نفر، به لحاظ موقعیت نسبی، این محدوده توسط خیابان های فروردین، صامت بروجردی و 35 متری طالقانی از شمال و شمال شرقی خیابان های امام حسین، سپاه و امام خمینی از جنوب شرقی و جنوب خیابانهای خرم (فردوسی) و امام خمینی از غرب و جنوب غرب و خیابان های کاشانی (گل سرخی) و بهار از غرب محدود شده است. اولین طرح شهری جهت هدایت و گسترش فیزیکی شهر طرح جامع بوده است که توسط مهندسین مشاور در فاصله سالهای 1356 ، 1360 تهیه شده است (مهندسین مشاور طرح کاوش ، 1373).



شکل (۱) نقشه موقعیت مکانی محدوده مورد مطالعه

مبانی نظری

توسعه^۱

توسعه از لحاظ لغوی، دارای معانی همچون تغییر اجتماعی، رشد اجتماعی، تکامل اجتماعی، مدرنیزه شدن و پیشرفت می باشد. توسعه معادل (Development) در فرهنگ لغت معین به معنای وسعت دادن و فراخ است. "در تعریف توسعه نکاتی را باید مد نظر داشت که مهم ترین آن ها عبارتند از اینکه اولاً توسعه را مقوله ارزشی تلقی کنیم، ثانیاً آن را جریانی چند بعدی و پیچیده بدانیم، ثالثاً به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود (Improvement) توجه داشته باشیم" (ازکیا، ۱۳۸۴: ۸).

توسعه شهری^۲

توسعه شهری، یعنی تغییرات هم در کاربری زمین و هم سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت، غذا و غیره. توسعه شهر علاوه بر جنبه های کالبدی شهر باید در خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و نهادی شهر نیز نمود داشته باشد و شاخص های توسعه انسانی آن را نشان دهند. (محمدی، ۱۳۷۸: ۵۴).

توسعه محله ای^۳

این مفهوم برای افراد در مکانهای مختلف، معانی متفاوتی دارد. براین اساس تعاریفی متنوعی از آن ارائه شده است که عبارتند از:

مقصود کلی از توسعه محله ای عبارتست از پاسخگویی به نیازهای روزمره ساکنان یک محله شهر با حداکثر اتکاء به منابع، توان، ارزشها و مشارکت درونی آن محله (صرافى، ۱۳۸۳).

« توسعه محله ای در واقع برنامه ریزی برای توسعه ی شهر آن هم در سطحی محدودتر و خرد تر از قبل است » (Zokin, 1997: 3-4). از دیدگاهی دیگر توسعه محله ای می تواند به عنوان فرآیندی از کنشهای متقابل مداوم و نیز به عنوان طرح یا برنامه ای که منجر به تغییرات یا تحت تاثیر قرار دادن اجتماع از برخی جهات می شود، تلقی گردد (موسوی نقل قول از Simpson, 2005:34).

محله^۴

در سلسله مراتب تقسیمات شهری، محله یکی از بخشهای کوچک شهر به شمار می آید و از خانه های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می شود. محله به لحاظ ایجاد

1. Development

1. Urban Developmen

2. Community development

3. Neighbourhood

حس تعلق مکانی در افراد، از چنان جایگاهی برخوردار است که خانواده ها نسبت به آن همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبرو می بینند (شکوئی ، ۱۳۷۲ : ۴۸). در تبیین و تعریف واژه محله معیار های کالبدی یا فیزیکی و نیز معیار اجتماعی بیشترین کاربرد را دارد. در محاوره های فارسی محله یک واحد اجتماعی و محل سکونت اقشاری از جامعه است که به ویژه از نظر اجتماعی دارای وجوه مشترک می باشند. به لحاظ معنایی محله جای حلول، فرود، جا و مکان می باشد (معین، ۱۳۶۲ : ۳۹۲).

محله محوری^۱

طی یکی دو دهه اخیر در سطح جهانی بسیاری از سازمانها و نهادهای دخیل در امر مدیریت و برنامه ریزی شهری، بر ترویج نگرش مشارکتی در جهت تشویق نوعی رهیافت به برنامه ریزی « پایین به بالا » تأکید داشته و تصمیم گیری و چاره اندیشی در خصوص حل مسائل شهری را بر مبنای اجتماعات محله ای یا محلات شهری پایه گذاری نموده اند. این موضوع از دهه ۱۹۷۰ به شکل جی مطرح شد و فلسفه پدیدار شناسی و کارهای هوسرل رامی توان سرآغازی بر توجه عمیق به جهان اجتماعی دانست. بنابراین تأکید برنامه ریزی و مدیریت شهری، بیش از هر زمان دیگر به سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی شهری می باشد (حاجی پور، ۱۳۸۳: ۵ - ۴). پژوهشها و مطالعات قابل توجهی در یکی دو دهه اخیر انجام شده است که به نوعی در سیاستگذاری، برنامه ریزی و مدیریت شهری خردترین واحد شهری یعنی « محله » را هدف قرار داده اند. مفهوم « برنامه ریزی محله مبنا » که بر همین اساس مطرح شده است مبتنی بر مهندسی اجتماعی بوده و به جای نگرش کلان و مقیاسهای ذهنی به ابعاد مشخص فضا - زمان در مقیاس محلی و خرد می پردازد و به جای پرداختن به توده مکانیکی و غیر قابل مدیریت کلانشهری به واحد های ارگانیکی مشخص یعنی محلات شهری می اندیشد. در واقع این رویکرد در پی شناخت سرشت ویژه هر محله و ناحیه شهری است که توسط فرضیات قراردادی کلان و شهر مقیاس متوقف، پنهان و یا به راحتی فراموش شده است. و در آن بر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنین محلات در قالب نگرش دارای - مبنا تأکید می گردد (همان: ۳۸).

1. A central neighborhood

دیدگاه های ناظر بر محله محوری

- آلبرلی^۱ (۲۰۰۳) در باره ویژگی های رویکرد محله محوری در برنامه ریزی و مدیریت شهری، خصلت هایی از این قبیل را عنوان می کند (به نقل از جاجی پور، ۱۳۸۵ : ۴۱):
- شروع و آغاز آن با انتقاد از وضعیت موجود است (وضعیتیتی که مشخصاتی چون نخبه گرایی، تمرکز گرایی و مقاومت در برابر تغییرات دارد)؛
 - مستلزم ترکیب آگاهی و عمل است؛
 - پیوسته است و در زمان واقعی مرتبط با واقعیات زندگی روزمره اتفاق می افتد؛
 - در تصمیم گیری ها اصل عدم تمرکز را رعایت می کند؛
 - به دنبال دستیابی به عدالت اجتماعی و پایداری زیست محیطی است؛
 - تسهیل توسعه انسانی و بهبود کیفیت زندگی را مد نظر دارد.
- کاردناس^۲ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی که درباره مدیریت توسعه مشارکتی محله محور در فیلیپین انجام داده اند، به اصولی اساسی برای تحقق آن اشاره می کنند، که در ادامه ذکر می گردند.
- بسیج نیروهای محله و ظرفیت سازی: مهم ترین منبع موجود در محله، سرمایه اجتماعی و منابع انسانی آن اند. ایجاد ظرفیت و به کار بستن فنون مشارکت متضمن حضور گسترده مردم در فرایند شناخت موقعیت ها و فرصت ها، تصمیم سازی و تعیین راهبردها ست.
 - برنامه ریزی مشارکتی: بسیاری مویید این مطلب اند که حضور گروه های متنوع ذی نفعان در فرایند طرح و اجرای برنامه ها موجب شناخت دقیق تر و تولید راهکارهای مناسب تر خواهد شد.
 - عملیاتی کردن مشارکت: تحقق طرح ها مستلزم مشارکت تمامی افراد، گروه ها و نهادها محله در فرایند تأمین منابع ، اجرای طرح های و تدوین و تصویب طرح های خرد و جدید است.
 - نظارت و ارزیابی مشارکتی: بهره گیری از نهادهای موجود و ایجاد فرصت های جدید و سازکارهایی به منظور ساکنان محل بر نحوه تحقق طرح ها، که می تواند موجب اجرای بهتر طرح های مذکور شود؛

2. Alberley

1. Cardenas

- آسان سازی تعاملات درون محله: کمک به ارتباط و تعامل افراد و گروه های محله برای تبادل اطلاعات و تجارب موجب شناخت بهتر فرصت ها و چالش ها فرا راه توسعه محله می شود.
- از نظر بولن واونیکس^۱ (۱۹۹۹) سرمایه اجتماعی عنصر سازنده محله، و حاصل هزاران کنش متقابل روزانه مردم است. سرمایه اجتماعی ماده خام فرایند ظرفیت سازی که خود بیش نیاز توسعه محله به شمار می آید. سرمایه اجتماعی در فراینده از پایین به بالا، با شکل گیری پیوند ها و شبکه های اجتماعی و بر مبنای اصول اعتماد، عمل متقابل و هنجارها به وجود می آید.
- به اعتقاد کرتزمن و مک نایت^۲ (۱۹۹۷) برای توسعه محله دو راه وجود دارد: یکی تمرکز بر نیازهای محلی، کمبودها و مشکلات محله؛ و تأکید فراوانی بر نگرش دارایی مبنا^۳ در مدیریت و توسعه محله دارند و آن را جایگزینی برای رویکرد نیاز مبنا^۴ بر می شمارند.
- با توجه به این مطالب، به نظر می رسد که مفهوم اجتماع محلی و دیدگاه های اصلی و عمده ای که در ادامه ذکر می شوند، نقش تعیین کننده ای در تعیین و تحقق رویکرد محله محوری دارند:
- دیدگاه مشارکتی^۵، که ضرورت و فواید برنامه ریزی و مدیریت از پایین به بالا و مداخله ساکنان محلی را در توسعه و اداره محیط زندگی شان توجیه می کند.
- رویکرد دارای مبنا در مقابل رویکرد نیاز مبنا، به عنوان اندیشه محرک بهره گیری از منابع و دارایی های موجود در محله که براساس آن توسعه محله تنها زمانی صورت می پذیرد که ساکنان محلی تصمیم بگیرند خود در عرصه حضور یابند و منابع محلی را در این راه به کار گیرند.
- دیدگاه سرمایه اجتماعی، یکی از اصلی ترین منابع و دارایی های محله را سرمایه اجتماعی آن معرفی می کند؛ یعنی پدیده ای که با شکل گیری پیوند های اجتماعی و بر مبنای اعتماد و عمل متقابل و هنجارها به وجود می آید، و پیش نیاز توسعه محله است و رویکرد دارایی مبنا قصد بهره برداری از آن را دارد.
- تأثیر دیدگاه مشارکتی در محله محور را می توان در قالب سه باور اساسی که دریکسل^۱ (۲۰۰۲) مطرح ساخته است، درباره مشارکت تبیین کرد.

2. Boullen & Oneyx

1. Kretzmann & McKnigh

2. Asset-based approach

3. Need-Based Approach

4. Social capital Approach

توسعه در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد؛

- ساکنان محلی دقیق ترین اطلاعات را درباره محله و موضوعات مرتبط با آن دارند؛
- مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیم ها می پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم گیری دارند (dariskel.2002:32).

دلایل رواج نگرش دارای مبنا را می توان در گسترش روند تمرکززدایی، نارضایتی از دخالت مستقیم دولت، محدودیت های ناشی از اتکای به بودجه دولتی و اتکای روز افزون جوامع برخورداران دانست (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۳). در واقع آنچه که موجب شده است تا توجه از نیازها و مشکلات، در فرایند مدیریت و برنامه ریزی توسعه محله ها، به دارایی ها و منابع معطوف شود، اینهاست:

- در نظر گرفتن محله به مثابه فهرستی طولانی و پرتنوع از مشکلات و نیازها موجب می شود تا راه حل های ارائه شده دچار چند پارگی و عدم انسجام گردند.
 - تخصیص منابع براساس نیازها باعث می شود که منابع به جای ساکنان محله، در اختیار ارائه دهندگان خدمات قرار گیرد؛ و این چیزی است که لزوما همیشه مفید و عادلانه و موثر به حال محله نیست.
 - اگر مبنای تخصیص منابع به محله ها میزان مشکلات و نیازهای شان باشد، تلاش نمایندگان و یا مسئولان محله ها بر این خواهد بود که مشکلات و نقاط ضعف محله خود را بیشتر و بزرگتر توصیف کنند و این نکته منفی در شیوه راهبردی و عاملی مخرب برای هویت محله هاست.
 - رویکرد نیاز مبنا این برداشت را موجب می شود که تنها متخصصان خارج از محله ها می توان کمک به محله و حل مشکلات آن را دارند، و به عبارتی باعث غفلت از توان بالقوه مشارکت و رابطه تنگاتنگ ساکنان محله در حل معضلات خود می گردد.
 - رویکرد نیاز مبنا، در بهترین حالت، موجب ادامه حیات و نجات از نابودی محله ها می گردد و هیچ گاه تغییرات جدی پیشرفت و توسعه محله ها را به همراه ندارد.
- نقش آفرینی سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه محله را می توان در قالب دیدگاه پانتام^۲ (۲۰۰۰) از منافع ان تشریح کرد: سرمایه اجتماعی به شهروندان اجازه می دهد تا مشکلات

5.dariskel

1. Putnam

مربوط به محله را آسان تر حل فصل کنند. همکاری مردم با یکدیگر، در مقایسه با حالتی که هر کس کار خود را انجام دهد، آسان تر و سودمندتر است.

• سرمایه اجتماعی حرکت رو به رشد محله را آسان می کند و مسیر آن را هموار می سازد. هنگامی که مردم به یکدیگر اعتماد کنند و به تعامل های مکرر با دیگر شهروندان بپردازند، فعالیت های روزمره و تراکنش های اجتماعی کم هزینه تر خواهند شد.

• سرمایه اجتماعی آگاهی شهروندان را از راه های زیادی که موجب پیوند دادن سرنوشت آنها به هم می شود گسترش می دهد. هنگامی که روابط میان مردم کاهش یابد، قادر نخواهند بود درستی دیدگاه های شان را، چه از طریق گفت و گو های دوستانه و چه از طریق رایزنی های رسمی، آزمون کنند. نبود چنین فرصتی موجب می شود تا مردم در میان انگیزه های فردی سردرگم باشند.

• اجتماع محلی دارای سرمایه اجتماعی به مثابه مجرای برای جریان اطلاعات مفیداست؛ یعنی اطلاعاتی که رسیدن افراد را به هدف هایشان آسان می سازد (به نقل از بوانلو، پرتوی ۱۳۸۹: ۷-۷۱).

بحث و یافته ها

سیمای نمونه مورد مطالعه

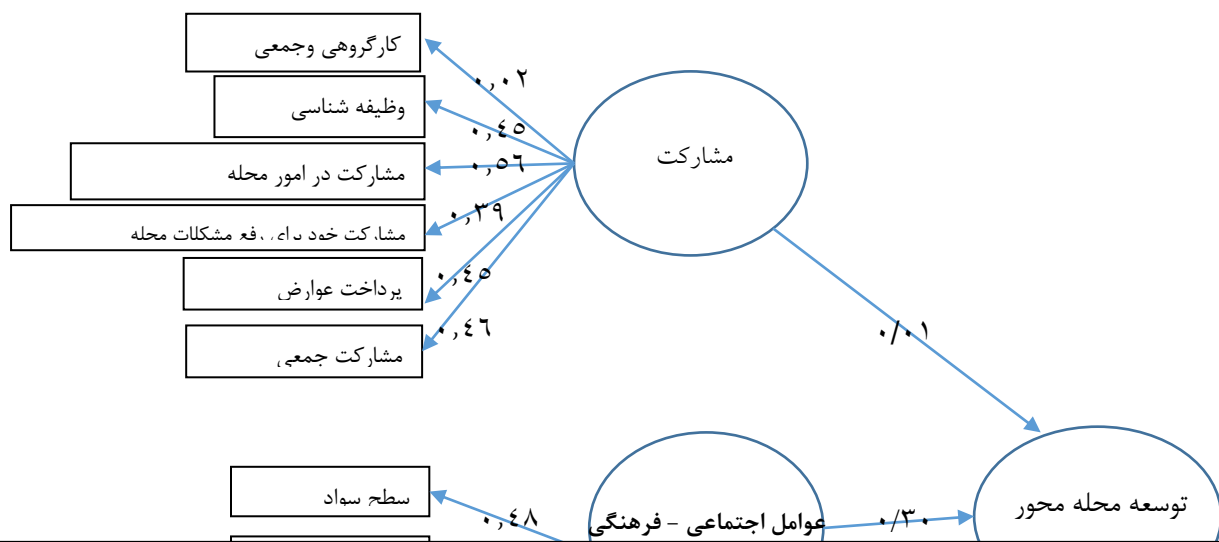
این مطالعه بر اساس اطلاعات ۳۸۱ نفر در ۴ محله، بخش مرکزی شهر بروجرد صورت گرفته است. از بین کل پاسخگویان ۵۵ درصد زنان و ۴۵ درصد مردان بودند. بیشترین توزیع فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۵ تا ۶۰ سال (۳۰/۵) می باشد. از نظر تحصیلات پاسخگویان از سطح بی سواد تا دکترا بوده اند که بیشتر پاسخگویان، مدرک تحصیلی ابتدایی و راهنمایی (۲۸/۵) داشته اند. وضعیت فعالیت پاسخگویان بیشترین ۴۸ درصد دارای شغل دولتی و کمترین ۲/۵ خانه دار بوده اند، و فراوانی انفرتعداد افراد شاغل، میزان تغییرات درآمد پاسخگویان بین ۵۰۰-۷۰۰ هزار تومان (۲۹) می باشد، علت سکونت پاسخگویان مورد پرسش قرار گرفته که (۳۳ درصد) ساکنین علت انتخاب محله خود را تعلق خاطر به محله و وابستگی عاطفی به خویشاوندان و همسایگان بیان کرده اند. و ۵۲ درصد پاسخگویان دارای منازل با مالکیت شخصی می باشند. در ارزیابی کیفیت ابنیه مسکونی ۴۶ درصد ابنیه خود را قابل نگهداری عنوان کرده اند، و در ارزیابی ویژگی های محله بیشترین درصد (۳۸/۵) متوسط عنوان کرده اند. و ۳۳/۵ به ویژگی مطلوب محله خود را سکونت آرامش انتخاب کرده اند و ۴۱ درصد دسترسی به خدمات عمومی، پاسخگویان مشکلات محله خود را ۵۰/۵ درصد ترافیک و تردد

پارک اتومبیل و وسیله نقلیه موتوری و همچنین کمبود های محله خود را (۴۱/۵) درصد به مراکز خرید و ادارت عنوان کرده اند.

بررسی سوالات و فرضیه های تحقیق

الف - عوامل موثر بر توسعه کالبدی محلات در بخش مرکزی شهر بروجرد به ترتیب اولویت کدامند؟

مدل زیر اندازه گیری ابعاد عوامل موثر بر توسعه محلات را در حالت تخمین استاندارد نشان می دهد. نتایج تخمین، شکل (۲) که با توجه به خروجی لیزرل مقدار x^2/df محاسبه شده برابر ۲,۲۷ می باشد، و همچنین مقدار RMSEA (میانگین مربعات خطا برآورد) برابر با ۰,۰۸۰، هر چه این مقدار کمتر باشد مدل دارای برازش بهتری است. p-value (دامنه معنی داری) برابر با ۰,۰۰۰۰ می باشد که این شاخصهای برازندگی حاکی از برازش خوب مدل است. در این مدل تاثیر عوامل مستقل (اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، مشارکت) بر عامل وابسته (توسعه کالبدی) که هر کدام از شاخص ها شامل گویه ها می باشد، و با توجه به تاثیر گذاری هر یک از شاخص ها مورد بررسی، که در خروجی مدل لیزرل نشان داده شده، شاخص اجتماعی فرهنگی ۰,۳۰ بر توسعه کالبدی تاثیر گذاشته، عامل اقتصادی ۰,۰۵، عامل مشارکت ۰,۰۱ که بر این مبنا می توان نتیجه گرفت که در بین عوامل مستقل بیشترین تاثیر عامل اجتماعی - فرهنگی با میزان ۰,۳۰ درصد بر توسعه کالبدی محلات داشته است. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل برازش مدل و با عنایت به شاخصهای برازندگی می توان گفت: مدل تحلیل عاملی تحقیق دارای برازندگی مناسب رو به بالاست.



Chi-Square=558.06, df=246, P-value=0.00000, RMSEA=0.080

شکل (۲) نمودار مدل اندازه گیری عوامل موثر بر توسعه کالبدی محلات در حالت تخمین استاندارد

جدول (۱) جدول برازش مدل اندازه گیری توسعه کالبدی که در حالت استاندارد

شخص برازندگی	مقادیر برآوردشده	برازش خوب	برازش قابل قبول
-----------------	---------------------	-----------	-----------------

$0.05 \leq GFI \leq 0.1$	$p < 0.05$	۰,۰۰۰	p- value
$X^2/df \leq 32 \leq$	$0 X^2/df \leq \leq 2$	۲,۲۷	
$0.05 \leq RMSEA \leq 0.08$	$0 \leq RMSEA \leq 0.05$	۰,۰۸۰	RMSEA
$0.9 \leq GFI \leq 0.95$	$0.95 \leq GFI \leq 1$	۰,۸۱	GFI
$0.85 \leq AGFI \leq 0.9$	$0.9 \leq AGFI \leq 1$	۰,۷۷	AGFI

با استناد از جدول (۱) که حاصل برازش مدل لیزرل و در حالت تخمین استاندارد، نشان می دهد. از جمله شاخص های برازش مدل می توان، (Chi-square) که برابر با ۵۵۸,۰۶ و df برابر با ۲۴۶ می باشد، که از نسبت خی دو به درجه آزادی (X^2/df) ۲,۲۷، میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) ۰,۰۸۰، نیکوی برازش (GFI) که مقدار استاندارد این شاخص باید بالاتر از ۰,۹۰ باشد، مقدار برآورد مدل برابر با ۰,۸۱، نیکوی برازش اصلاح شده (AGFI) که این شاخص هم باید برازش بالای ۰,۹۰ باشد، که مقدار برآورد شده برابر با ۰,۷۷ است با توجه به شاخص های برازش مناسب مدل که براساس نرم افزار لیزرل بدست آمد، شاخص ها وضعیتی بین خوب، متوسط رو به بالا را نشان می دهند. از میان شاخص های برازش مدل، دو شاخص سطح تحت پوشش آماره خی دو و ریشه ی میانگین مربعات خطای برآورد از بقیه مهم تر هستند. که به ترتیب ($2/27$) برازش خوب مدل و ($0,080$) برازش خوب مدل می باشد. در نتیجه می توان گفت که مدل از برازش خوب و متوسط رو به بالا برخوردار است. ب- آیا بین عامل اجتماعی- فرهنگی محلات بخش مرکزی و کیفیت ابنیه آنها رابطه وجود دارد؟ فرضیه تحقیق: به نظر می رسد بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و کیفیت ابنیه رابطه مستقیم وجود دارد.

بر این اساس فرض صفر برای آزمون فرضیه تعریف شده است:

$H_0 =$ به نظر می رسد بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و کیفیت ابنیه رابطه وجود ندارد. $r = 0$

$H_1 =$ به نظر می رسد بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و کیفیت ابنیه رابطه وجود دارد. $r \neq 0$

لازم به ذکر است که برای مقدار عوامل اجتماعی - فرهنگی از میانگین شاخص های (سواد، شغل، متوسط درآمد خانوار در ماه، وضعیت مالکیت خانه و وضعیت سکونت) و همچنین برای کیفیت ابنیه از میانگین گویه های مربوطه استفاده شده.

جدول (۲) جدول ضریب همبستگی بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و کیفیت ابنیه در توسعه محله

عوامل اجتماعی-فرهنگی	همبستگی	
.۲۱۰**	ضریب همبستگی پیرسون Pearson correlation	کیفیت ابنیه
.۰۰۳	معناداری sig.(2-tailed)	
۲۰۰	فراوانی N	
**p<0.01		

** ارتباط همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنی دار است. (احتمالا ۹۹ درصد باهم رابطه معنی دار است)

با استناد به جدول (۲) خروجی مشخص می باشد ضریب همبستگی پیرسون ۰,۲۱۰ بدست آمده است و از آنجایی که مقدار (Sig.) بدست آمده برابر با ۰,۰۰۳، و کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد لذا این ضریب همبستگی بدست آمده معنا دار است یعنی بین عوامل اجتماعی و کیفیت ابنیه ارتباط معنی داری وجود دارد. بنابراین فرضیه تحقیق که بر وجود ارتباط بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و میزان کیفیت ابنیه تاکید داشت تأیید می گردد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که هر چقدر وضعیت اجتماعی - فرهنگی ساکنان محلات بالا رود میزان کیفیت ابنیه در محله افزایش خواهد یافت.

این بدین معناست که به احتمال ۹۹ درصد با افزایش یا بهبود هر کدام از شاخص های اجتماعی - فرهنگی یا به عبارت دیگر با افزایش میزان شاخص های اجتماعی - فرهنگی در محله، باعث افزایش میزان کیفیت ابنیه ها در طرحهای توسعه محله خواهد شد. ج- آیا بین عامل اقتصادی ساکنین محلات بخش مرکزی و میزان مشارکت مردمی در اداره محله رابطه وجود دارد؟

فرضیه تحقیق: به نظر می رسد بین عامل اقتصادی و میزان مشارکت رابطه مستقیم وجود دارد.

بر این اساس فرض صفر برای آزمون فرضیه تعریف شده است:

$H_0 =$ به نظر می رسد بین عوامل اقتصادی و مشارکت رابطه وجود ندارد. $r = 0$

$H_1 =$ به نظر می رسد بین عوامل اقتصادی و مشارکت رابطه وجود دارد. $r \neq 0$

لازم به ذکر است که برای عوامل اقتصادی از شاخص های (میزاد درآمد خانوار، پس انداز خانوار، دارایی های خانوار ...) و برای مشارکت از میانگین (سوالیات و گویه هایی) که در پرسش نامه وجود دارد استفاده شده است.

جدول (۳) جدول ضریب همبستگی بین عوامل اقتصادی و مشارکت در توسعه محله

عوامل اقتصادی	همبستگی
---------------	---------

۰.۱۵۲*	ضریب همبستگی پیرسون Pearson correlation	۳ ۳ ۳
۰.۳۲	معناداری (Sig.(2-tailed))	
۲۰۰	فراوانی	
*p<0.05		

* ارتباط همبستگی در سطح ۰,۰۵ معنی دار است. (احتمالا ۹۵ درصد باهم رابطه معنی دار است)

با استناد به جدول (۳) خروجی مشخص می باشد ضریب همبستگی پیرسون ۰,۱۵۲ بدست آمده است و از آنجایی که مقدار (Sig.) بدست آمده برابر با ۰,۰۳۲، و کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد لذا این ضریب همبستگی بدست آمده معنا دار است، یعنی بین عوامل اقتصادی و مشارکت ارتباط معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی نشان می دهد که بین متغیر وابسته تمایل به مشارکت ساکنین در طرح های توسعه محلی و متغیر مستقل عوامل اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد (سطح معناداری برابر با ۰,۰۵ گزارش شد). میزان این همبستگی برابر با ۰,۱۵۲ بدست آمده این نتیجه به معنای رد آزمون صفر تحقیق می باشد. بنابراین فرضیه تحقیق که بر وجود ارتباط بین عوامل اقتصادی و میزان مشارکت تاکید داشت تأیید می گردد. یعنی با افزایش وضعیت اقتصادی ساکنان محلات بخش مرکزی شهر بروجرد میزان مشارکت در طرح های توسعه محله ای، در سطح محلات افزایش خواهد یافت.

د - تحلیل رگرسیون

در تحقیق حاضر کیفیت ابنیه به عنوان متغیر وابسته و عوامل اجتماعی فرهنگی به عنوان متغیر مستقل، و همچنین متغیر مشارکت به عنوان متغیر وابسته و وضعیت اقتصادی به عنوان متغیر مستقل وارد آزمون رگرسیون دو متغیره شده اند.

جدول (۴) جدول آزمون رگرسیون دو متغیره مستقل عوامل اجتماعی - فرهنگی و متغیر وابسته

کیفیت ابنیه

خطای استاندارد برآورد	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	همبستگی	مدل
۰.۶۸۹۱۳	۰.۳۹	۰.۴۴	۰.۲۱۰ ^a	۱

۱- متغیر مستقل اجتماعی- فرهنگی ۲- متغیر وابسته کیفیت ابنیه

همان طور که در جدول (۴) آمده ضریب تعیین برابر با ۰,۴۴ است.

آزمون رگرسیون نشان داد که همبستگی بین متغیر های مستقل و وابسته برابر با ۰,۲۱۰ است. ضریب تعیین ۰,۴۴ بدست آمده، ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰,۳۹ می باشد با توجه به ضریب تعیین که حدود ۴,۴ درصد، از واریانس متغیر وابسته کیفیت ابنیه به متغیر مستقل عوامل اجتماعی - فرهنگی قابل پیش بینی است. یا به عبارت بهتر حدود ۴,۴ درصد

متغیر وابسته به متغیر مستقل تحقیق بستگی دارد، که این نشان می دهد که ۹۶,۸ درصد متغیر وابسته به متغیر های دیگر بستگی دارد (RSquare= .۰۴۴).

جدول (۵) جدول آزمون رگرسیون دو متغیره مستقل عوامل اقتصادی و متغیر وابسته مشارکت

تعداد مدل	همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	.۱۵۲ ^a	.۰۲۳	.۰۱۸	۶,۸۵۱۲۸

۱- متغیر مستقل اقتصادی ۲- متغیر وابسته مشارکت

همانطور که در جدول (۵) آمده ضریب تعیین برابر با ۰,۱۸ است.

همبستگی بین متغیر های مستقل و وابسته برابر با ۰,۱۵۲ است. ضریب تعیین ۰,۰۲۳ بدست آمده، ضریب تعیین برابر با ۰,۰۱۸ می باشد آزمون رگرسیون نشان داد که حدود ۱,۸ درصد از واریانس متغیر وابسته مشارکت به متغیر مستقل عوامل اقتصادی قابل پیش بینی است. یا به عبارت بهتر حدود ۱,۸ درصد متغیر وابسته به متغیر مستقل بستگی دارد. که این نشان می دهد که ۹۸,۲ درصد متغیر وابسته به متغیر های دیگر بستگی دارد (RSquare= .۰۱۸).

نتیجه گیری

توسعه محله ای فرآیندی است مبتنی بر مشارکت داوطلبانه و خودیارانه در میان ساکنان یک محله در جهت بهبود شرایط اجتماعی فرهنگی، کالبدی و اقتصادی. بررسی ها نشان می دهد، ابعاد اجتماعی در بیشتر رویکردهای توسعه ای از وزن بیشتری برخوردار می باشد اهمیت عامل اجتماعی فرهنگی به عنوان عاملی جهت توسعه محله ای تا جایی است که صاحب نظران، توسعه محله ای را بدون عامل اجتماعی-فرهنگی، غیر ممکن می دانند. هدف این پژوهش بررسی نقش عوامل موثر در توسعه محله محور بخش مرکزی و قدیمی شهر بروجرد بوده است با استناد به نتیجه بدست آمده از مدل معادلات ساختاری از نرم افزارهای PLS ، lisesrl ، عوامل موثر بر توسعه کالبدی محلات به ترتیب عبارتند از اجتماعی - فرهنگی (۰/۳۰)، اقتصادی (۰/۰۵) ، مشارکت (۰/۰۱) . با این وجود می توان گفت که عامل اجتماعی - فرهنگی بیشترین و عامل مشارکت کمترین تاثیر بر روی توسعه کالبدی محلات داشته، هر آنچه عامل اجتماعی - فرهنگی در محلات بالاتر بوده، تمایل به توسعه محله ای بیشتر بوده است. از ضریب همبستگی پیرسون میتوان نتیجه گرفت که بین عوامل اجتماعی و ارتقا کیفیت ابنیه رابطه معنی داری وجود دارد. این بدین معناست که با افزایش یا بهبود هر کدام از شاخص های اجتماعی - فرهنگی در محله، باعث افزایش میزان کیفیت ابنیه در طرحهای توسعه محله بوده

است. در خصوص اینکه آیا بین عامل اقتصادی و مشارکت رابطه مستقیم وجود دارد؟ نتیجه بدست آمده نشان داده که با بهبود شاخصهای اقتصادی سکنه و کسبه و مشارکت در پروژه های عمرانی ارتباط معنی داری وجود دارد. و هر چه وضعیت اقتصادی ساکنین محلات بخش مرکزی شهر بروجرد بالا رود مشارکت مردمی در طرح های توسعه محله ای در حد مطلوب به بالا قرار می گیرد. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که با در نظر گرفتن کل شاخصها، ضمن وجود تفاوت معنادار، وضعیت توسعه محله محور در بخش مرکزی شهر بروجرد در مجموع در حد نسبتاً مناسبی قرار دارند. جهت دست یابی به توسعه محله ای، باید فضای تعاملات اجتماعی مردم با مردم و مردم با مسئولین احیاء شود و حس دلبستگی به مکان بین شهروندان ارتقا یابد و حس اعتماد بین مردم و مسئولین تقویت شود.

منابع و مأخذ

۱. ازکیا، مصطفی، غفاری، غ، ۱۳۸۴، جامعه شناسی توسعه، نشر کیهان.
۲. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، سیر اندیشه در اندیشه ها در شهرسازی (جلد اول)، تهران: انتشارات شهرهای جدید.
۳. حاجی پور، خلیل (۱۳۸۳)؛ برنامه ریزی محله - مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری، چکیده مقالات همایش توسعه محله ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، چاپ اول، تهران، شهرداری تهران.
۴. حاجی پور، خلیل (۱۳۸۳)؛ برنامه ریزی محله - مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری، چکیده مقالات همایش توسعه محله ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، چاپ اول، تهران، شهرداری تهران.
۵. شکوئی، حسین، (۱۳۷۳)، جغرافیای اجتماعی شهر، اکولوژی اجتماعی شهر، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد) چاپ دوم.
۶. صرافی، مظفر (۱۳۸۱) توسعه اجتماعات محلی؛ شالوده پایداری کلان شهر های جنوب؛ چکیده مقالات همایش توسعه محله ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران اسفند ماه ۱۳۸۳، تهران.
۷. عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۸)، تراکم در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم. موسی کاظمی محمدی، سید مهدی (۱۳۷۸)، ارزیابی توسعه پایدار در

- توسعه شهری (نمونه موردی : قم) ، رساله دکتری جغرافیای انسانی (گرایش شهری) ، دانشکده علوم انسانی ، دانشکده تربیت مدرس.
۸. موسوی، سید احمد(۱۳۸۵) ، برنامه ریزی توسعه محله ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی(مورد مطالعه:کوی طلاب شهر مشهد)، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس .
۹. مهندسین مشاور طرح و کاوش، ۱۳۷۳، طرح جامع شهر بروجرد.
۱۰. معین، فرهنگ لغات فارسی جلد پنجم.
۱۱. نادری بوانلو، محمد (۱۳۸۹)؛ امکان سنجی تحقق رویکرد محله محوری در مدیریت شهری؛ مورد مطالعه: شهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه هنر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری .
12. Driskell, David (2002) **creating better cities with children and youth (a manual for participation) unes co publishing and earths can publication ltd.**
13. Zokin, S, (1997), **the culture of cities**, Black well: 3-4. –14.